



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



شب نورانی

میں اللہ کی مخلوق میں سے ہیں جو اللہ کی مخلوق میں سے ہیں۔ اللہ کی مخلوق میں سے ہیں۔ اللہ کی مخلوق میں سے ہیں۔

پسر و پسر
شریمہ پسر و پسر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شب نورانی: میلاد علی بن موسی الرضا علیه السلام تا صبح سبحانی طلوع مهر ولایت ...

نویسنده:

مریم پارساخو

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	شب نورانی: میلاد علی بن موسی الرضا علیه السلام تا صبح سیحانی طلوع مهر ولایت ...
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۱	مشق عشق
۲۳	شیء در حرم
۳۵	درباره مرکز

شب نورانی: میلاد علی بن موسی الرضا علیه السلام تا صبح سبحانی طلوع مهر ولایت ...

مشخصات کتاب

سرشناسه: پارساخو، مریم، 1350-

عنوان و نام پدیدآور: شب نورانی: میلاد علی بن موسی الرضا علیه السلام تا صبح سبحانی طلوع مهر ولایت ... / مریم پارساخو.

مشخصات نشر: مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، 1388.

مشخصات ظاهری: 24 ص.؛ 14×21 س.م.

شابک: 9-335-971-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

عنوان دیگر: میلاد علی بن موسی الرضا علیه السلام تا صبح سبحانی طلوع مهر ولایت ...

موضوع: شعر فارسی -- قرن 14

موضوع: شعر مذهبی -- قرن 14

شناسه افزوده: بنیاد پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: 4PIR7981/الف416ش2 1388

رده بندی دیویی: 8فا2/1

شماره کتابشناسی ملی: 1873492

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم فاطمه کدخدایی

ص: 1

اشاره

پارساخو، مریم، 1350 -.

شب نورانی: میلاد علی بن موسی الرضا علیه السلام تا صبح سبجانی طلوع مهر ولایت / مریم پارساخو. - مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی 1388.

24ص.

ISBN 978-964-971-335-9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان دیگر: میلاد علی بن موسی الرضا علیه السلام تا صبح سبجانی طلوع مهر ولایت.

1. شعر فارسی - قرن 14. 2. شعر مذهبی - قرن 14. الف. بنیاد پژوهش های اسلامی. ب. عنوان.

PIR 7981 / الف 4416 ش 2 1388

8/1 فا 62

کتابخانه ملی ایران

1873492

شب نورانی

میلاد علی بن موسی الرضا علیه السلام تا صبح سبجانی طلوع مهر ولایت

سروده مریم پارساخو (زینت)

چاپ اول: 1388 / 1000 نسخه، رقعی / قیمت 3000 ریال

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد: صندوق پستی 91735-366

مراکز توزیع:

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهش های اسلامی: 2230803

فروشگاه های کتاب بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد: 2233923، قم: 7733029

شرکت به نشر، دفتر مرکزی (مشهد) تلفن 7-8511136، دورنگار 8515560

www.islamic-rf.ir

E-mail: info@islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

ص: 2

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى الْإِمَامِ التَّقِيِّ وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ،
صَلَاةً كَثِيرَةً تَامَةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَانِكَ.)

عكس

□

صلوات خاصة حضرت امام رضا عليه السلام

ص: 3

پرنیان مهتاب بر دامن کوه و دشت سایه افکنده است و پرند لطیف نسیم بر گیسوان شاخسار پیچیده، قطره قطره اشک شبنم برگونه گل های باغ درخشان است. هنوز سفره مهتاب پهن است و منتظری در انتظار...

خورشید صبح فردا بشارت صبح بی غروب عشق است و من گر چه از اهالی ظلمتم، اما با لهجه شیرین مهتاب آشنایم.

چه وقت سپیده فردا فرا خواهد رسید و تا طلوع صبح سبحانی عشق چقدر راه است؟

ماه زمزمه می کند: دریای ولایت بی انتها و خورشید هدایت، بدون خاموشی است. سیادت این جهان و سعادت آن جهان، در حصار محکم «لا اله الا الله» است...

از سلاله آن مسافر براق سوار، از سلسله آن حرانشین قله عشق و عابد محراب نور، طلوعی دوباره در راه است.

من که اینک نشانی آسمان ولایت را از حضرت عشق گرفته ام

با بیان سَحَر، شُكُوهِ تَابِشِ خورشیدِ هشتم را بر صفحهٔ سپیدِ سپیده خواهیم سرود.

در تپشِ ثانیه‌ها و در گذر از لحظه‌ها تقویمِ ورق می‌خورد... می‌نویسم:

طلوعِ صبحِ سبحانیِ خورشیدِ هشت، هشتِ هشتِ هشتاد و هشت...

پارساخو

ص: 6

مقدم نورآئیش اعجاز کرد

قفلِ رازِ آسمان را باز کرد

جبرئیل از عرش آمد بر زمین

سوی بامِ آرزو پرواز کرد

ساغر جان از حلاوت لب به لب

در دل هفت آسمان نجوای ربّ

«نجمه» دارد اضطرابی با شکوه

مثل موسی در بیابانِ طلب

نجمه را تا طور همراهی کنید

تا دیار نور همراهی کنید

بانوان، این مادر خورشید را

با حضور حور همراهی کنید

ص: 7

مریم از عرش آمد اینک بر زمین

کوثر از فردوس می جوشد متین

بانوانِ آسمانی جملگی

گوش بر فرمان ربّ العالمین

آمدند از اوج قصر آرزو

هاجر و آسیه گرم گفتگو

با «خدیجه» حوریانی حق طلب

گرد سینای زمین در جستجو

خاک رشک چشم افلاک آمده

جرعه ای از جام «لولاک» آمده

«آدم» از فردوس می خواند سرود

بر زمین «حوّا» طربناک آمده

ص: 8

شب نشسته پشت قفل «رَبَّنَا»

در قنوتش موج پاک «آتنا»

ناگهان در هُرم این دلواپسی

از ضمیر روشنش آید ندا

کهکشانش، گرم مناجات شب است

آسمان، در رقص نور کوکب است

«نجمه» در انبوه این گفت و شنود

در قنوت سبز یا رب یا رب است

عهدِ موسایِ ولایت، کوه نور

نجمه آمد در حریم شوق و شور

زائر وادی ایمن در شگفت

از تجلای گل خورشید طور

ص: 9

گیسوان بید مجنون دست باد
باغبان، گهواره در بستان نهاد
قدسیان از جلوۀ حق در شگفت!
همسر پاک ولا خورشید زاد
از حریر نوریان بال آورید
از ستاره لوح تمثال آورید
از میان سبزه های بی زوال
بهترین سبزینه را شال آورید
سرمه از چشمان جبرائیل ده
شانه از گیسوی میکائیل ده
خیز و موسای ولایت را بگوی
مژده، جامی از سبوی نیل ده

ص: 10

ماه از مهتاب، دیبا گسترد

باغ، صهبای شقایق می برد

آرزو دارد نسیم، امشب زجان

لحظه ای از کوی وصلش بگذرد

آفتاب از نور حُسنش در ضیا

ماهتاب از خاک کویش سرمه سا

هاله همچون عقد گل بر گردش

گویدش هر گل که از این ره بیا

لاله می گوید که بنشین در برم

نسترن گوید قدم نه بر سرم

نرگس از شوق و شعف می خواندش:

ای گل زهرا، تو را عاشق ترم

ص: 11

السلام ای زمزم از جامت نمی

وسعت دریا به دست شبنمی

آشنای غربت آینه ها

هر غریبی با تو دارد عالمی

ای فروغ صبح سبحانی نور

آفتاب قلّه های پُر غرور

در طلوع لحظه ناب وصال

السلام ای روشنی بخش حضور

السلام ای ضامن مردان حق

ای سرود هر سپیده در فلک

نور جاوید ولایت در ظهور

آی خورشید بلند بی شفق

ص: 12

السّلام ای مهربان رهنما

با گدایان محبّت آشنا

ظلمت محضم، به شب هایم بتاب

شب نشینان را بزن بانگ «درآ»

السّلام ای مِهْر تابان کَرَم

تاتورا دارد بشر دیگر چه غم

صحن پاکت طرحی از باغ بهشت

صد کبوتر دل تپد گرد حرم

دل در ایوان طلا مأوا گرفت

این کبوتر در حریمت جا گرفت

با تمنا، با دعا، با التماس

می توان از دست تو امضا گرفت؟!

ص: 13

نبض سبز لحظه ها شعر شبت

بینش ناب صداقت مکتبت

یک جهان آینه می روید شبی

ناگهان از متن یارب یارب

آسمان شب پر از تاب و تب است

رقص صد فواره نور امشب است

قیصر قصر «کرامت» آمد و

«مرو» محو چلچراغ کوكب است

حیف، عشق زائران نادیدنی است

درک احساس غمت فهمیدنی است

خاک پای زائران درگهت

مثل درهای حرم بوسیدنی است

ص: 14

در حریم عاشقانت پر بزن
با گدایان هم شبی ساغر بزن
خستگان التماس را بخر
بسته «پولاد» را هم سر بزن
در حرم باید به تنهایی نشست
هسته بغض نهانی را شکست
در به روی جمله نامحرمان
در شب اعجاز چشمان تو بست
باید از اعجاز سینایت نوشت
بر بلند سر در باغ بهشت
سلسله در سلسله صدها حدیث
از (لَكَ فَتَحًا مُّبِينًا) یت نوشت

ص: 15

بازها را جرأت پرواز ده

قُمریان را رخصت آواز ده

فرصتی از جنس عشق عارفان

در ضریح روشن اعجاز ده

صد درود بی ریا بر مرسلین

یک به یک از اولین تا آخرین

تک تک فوج ملایک را سلام

جمعیان را بالأخص روح الامین

جمله گل های محمد را سلام

چهارده معصوم را در یک کلام

وین طلوع مهر عالمتاب را

خمسه آل عبا را والسلام

ص: 16

شهایی در گذر با سرعت نور

شبِ افسونگری مأمور و معذور!

سلامی در حجاب عشق، مستور

علیکی در نقاب خواب، مکسور

وضو می گیرم از سرچشمه غم

مگیر از خاکیان امشب سراغم

بیا آن سوی سوسوی ستاره

به بزم چلچراغ اتّفاقم

سلام خالصی مافوق پندار

صمیمانه ز من تقدیم دلدار

سر ناقابلی، مسکین دلی هست

نثار خاک پای مقدم یار

ص: 19

سلامم اولین بیت خطر نیست

وداعم آخرین شعر سفر نیست

سیه مشقی نوشتن بی اثر باز -

برایت ازغم دوران، هنر نیست!

زمانه از رُخت نقشی نکو بست

زمین طرح تو را با صد وضو بست

فلک تا دست در نقاشیات برد

شد از یکرنگی لوح تو سرمست

تو هم مثل محمد بی بدیلی

ز نسلِ هاشمیونِ اصیلی

نژادِ پاکی از قوم «حنیفی»

غریبِ عشقی اما اهل ایلی

ص: 20

سر هر رشته مهری را گرفتی

نهایت بود یک دنیا شگفتی

رضا گویان همه گفتند و رفتند

ولی یک از هزارانت نگفتی!

شب ما را بیا زیر و زیر کن

به کوی وادی ایمن خطر کن

بیا بیچاره درویش غمت را

میان ذکر یا «هو» در به در کن

کلام «لا» عجب این جا کلامی است!

«اله» هر الهه ای خیالی است

همه فانی و رد، «الاً» خداوند

بجز «الله» معبودی دگر نیست

ص: 21

حساب نقد این پرونده پاک است
که از خاک آمد و آخر به خاک است
مرا گر خوانده ای دیگر چه اندوه؟
ترا گر لایقم دیگر چه باک است؟
شب از جام غمت آکنده بودم
پَر از بال ملایک کنده بودم
زدم در بهترین رنگ تخیل
که بنویسم ولی شرمنده بودم
کمال کاتب غم نکته دانی است
شهود یک نظر کشف معانی است
سرِ خطِ عقیده می نویسم:
جز عشق اهل بیت، هر عشق فانی است

ص: 22

حرم در موج اشک و قیل و قال است

حلول لحظه ناب وصال است

فقط یک گام دیگر تا ضریح است!

چه احساس عجیبی! این چه حال است؟

کنون که قصری از آینه برپاست

دل زائر شکسته و مهیاست

به نقد دل خریدار تو هستیم

بگو آیا دلت ای دوست با ماست؟!

در تالار مروارید اعجاز

شد امشب با ید بیضایی ات باز

به گرداگرد گنبد، روح زائر

کبوتر می شود با شوق پرواز

ص: 23

کبوتر با عقابی تک به تک شد

اسیرِ رازِ افسونِ فلک شد

پریدن با دو بال زخمی عشق!

عیار دل سرافراز از محک شد

شبانهِ های عشقت تا ورق خورد

ز دامت دانه ای هم مرغِ حق خورد

طبق های کرامت را گشودند

پرستو هم سحر از آن طبق خورد

ز نای «هو»ی درویشانه «آه»

نهانی پا به پای صوفی ماه

چه می خواندی که ابری اشک می ریخت

درختان جمله می گفتند «الله»!

ص: 24

درختانِ خیابانیِ غریبند

که دل با یاد جنگل می فریبند!

برای عابران کوچه، یک دوست

برای ساکنین، یاری نجیبند

تورا با شاخه ها خویشیِ دوری است

به شاخه لانه مرغ صبوری است

تو محبوبی و من هم یک محبم

که خود، این ادعا عین جسوری است!

تو یعنی شاهکار آفرینش

به میدان وفا آبی به گردش

حریفی گر طلب خواهی نمودن

بیخشا «شه» دل من نیست مردش!

ص: 25

تو شایانِ دل پاکیزگانی

ندیم روح خوبانِ جهانی

جسارت می کنم گر گاه گاهی

صدایت می کنم ای «یار جانی»!

فراسوی افق های سماوی

به دستت ساغری از جامِ باقی

ورایِ حسّ انسان و ملایک

فقط با حور نور اندر و ثاقی

نبیدی در رگ هر لحظه جاری است

در ایوانِ طلا حسّی بهاری است

هزار و سیصد و هشتاد و هشت است

دلم در محضرِ والا تباری است

ص: 26

ز مشکات تو نوری در عبور است

اگر چه باورش از ذهن دور است

تو این جا با منی ، من در تو چونم؟!

تصوّر نیست این عین حضور است!

عجب خط چلیپای قریبی

دم جبریلیِ مریم فریبی

معطر شد فضای پارسایی

ز انفاس مسیحای غریبی

رضا، تنهای تنها می تواند

«قضا» را از دل طوفان رهاند

«قَدَر» را رد کند از تنگهٔ غم

رضا دل را به ساحل می رساند

ص: 27

به پاس حرمت جامت امیرم

بجز یاد رُخت ساغر نگیرم

دلم حقّ نمک را می شناسد

گدایی بر در دیگر نگیرم

تورا در قاب دل جا می نمایم

سحرگاهان تماشا می نمایم

اگر پرسد کسی در خاطرت کیست

خدا داند که حاشا می نمایم!

شب امشب با تو ای سرچشمه جود

سحر طی می شود تا صبح بدرود

چه احساس خوشی یک لحظه روئید!

ولی الحق که امشب هم شبی بود

ص: 28

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

